

توکل و بهره‌وری

اشاره

سید حسین پیمان

ارزشها و نگرشهای افراد، فعالیتهای فردی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند و فعالیتهای نیز اهداف سازمان اجتماعی را متأثر می‌نمایند. بدیهی است بدون اعتنا به باورها و فرهنگ عمومی حرکت بهره‌وری سرعت نخواهد یافت. آداب و رسوم اجتماعی و ارزشهای مورد تأکید نظام اعتقادی از مسایلی است که می‌توان حرکت بهره‌وری را کند و یا تند نماید.

بسیاری از ارزشها و باورهای اعتقادی مؤثر بر بهره‌وری در صحنه اجتماعی حضور فعال نداشته، و بسیاری نیز حضور داشته اما شاید نه با نگرش صحیح و مورد تأکید نظام اعتقادی، لذا در صورتی که ارزشها موضوعاتی بهره‌ورند ممکن است برداشتها از این مضامین و موضوعات غیر بهره‌ور باشند. بنابراین تثبیت ارزشهای مؤثر بر بهره‌وری، و همچنین تصحیح برداشتها و نگرشها نسبت به ارزشهایی که بهره‌ورند اما اذهان نگرش صحیحی از آنها را استنباط ننموده، از مسایل قابل توجه و عنایت بهره‌وری اجتماعی می‌باشد.

تمهید

الف - اگرچه تبیین سازوکارها و مسایل موردی، نسبت به موضوعات کلی، سهل‌تر بوده و به متغیرهای معدودی وابسته است، و چه بسا نتایج ملموس و احتمالی از آن استخراج گردد، اما پرداختن به مسایل کلی، صعب و پیچیده، وابسته به متغیرهای بسیار، و تجزیه و تحلیل پویا است و نتایج آن، همچون مسایل موردی و ایستای نمی‌باشد؛ تجزیه و تحلیلهای ایستا، و الگو و مدل سازیه‌ها در سطح خرد، مبتنی بر تبیین صحیح مسایل نظری است، و تا دیدگاههای کلی و کلان، و تکیه گاه اعتقادی آن روشن نگردد و نگرشی مجموعه نگر به فضای رفتار و ساختار اجتماعی انجام نگیرد، وظیفه و نقش عناصر واحدهای هر نظام مجهول خواهد ماند؛ و شیرازه‌ای که باید کثرت فعالیتهای را به وحدت، جهت کارا نمودن نظام اجتماعی - سیاسی، فرهنگی، اعتقادی - تبدیل کند، هویدا نخواهد شد. لذا روشن و شفاف نمودن و به عرصه تفکر اجتماعی در آوردن کلیات مورد لزوم برای تنظیم فعالیتهای نظام موضوعی - سیاسی، فرهنگی، اقتصادی - ضرورتی اولی است.

نگرش واقعی به موضوعات، اعوجاج عمل از اعتقاد را کاهش خواهد داد؛ آگاهی و

علم به مسایل، راسخ شدن باورها را مدد، و حرکت صحیح تکاملی و توسعه، در ابعاد اجتماعی و فردی را تسریع می‌نماید، نبود تصور صحیح از مسایل کلی و جایگاه واقعی موضوعات کلان، برآیند فعالیتهای خرد را نامشخص خواهد نمود. ب - فرض مطالب آتی، انسان موحد و معتقد به مبدأ و معاد است.

معانی و تعاریف بهره‌وری

بهره‌وری در شاخصی به نام ستاده به داده (ستاده‌ها) خلاصه شده است؛ که برای مقایسه زمانی عملکرد هر واحد، یا بین واحدهای اقتصادی بکار گرفته می‌شود. با توجه به رشته و سنخ فعالیت، الگوهای متعدد و متفاوتی برای سنجش و محاسبه صورت و مخرج، و نایل آمدن به نتیجه این کسر تعبیه و تدوین می‌شود. روشن است فزونی خارج قسمت این کسر منشعب از افزایش صورت با ثابت بودن داده‌ها یا هزینه‌های بکار رفته (مخرج)؛ یا کاهش هزینه‌ها، با ثابت بودن صورت (ستاده‌ها)؛ یا شتاب بیشتر صورت نسبت به مخرج، خواهد بود.

اما گذشته از این شاخص و معیار کمی ریاضی، چه مفاهیمی به طور تلویحی در این کسر نهفته است؟

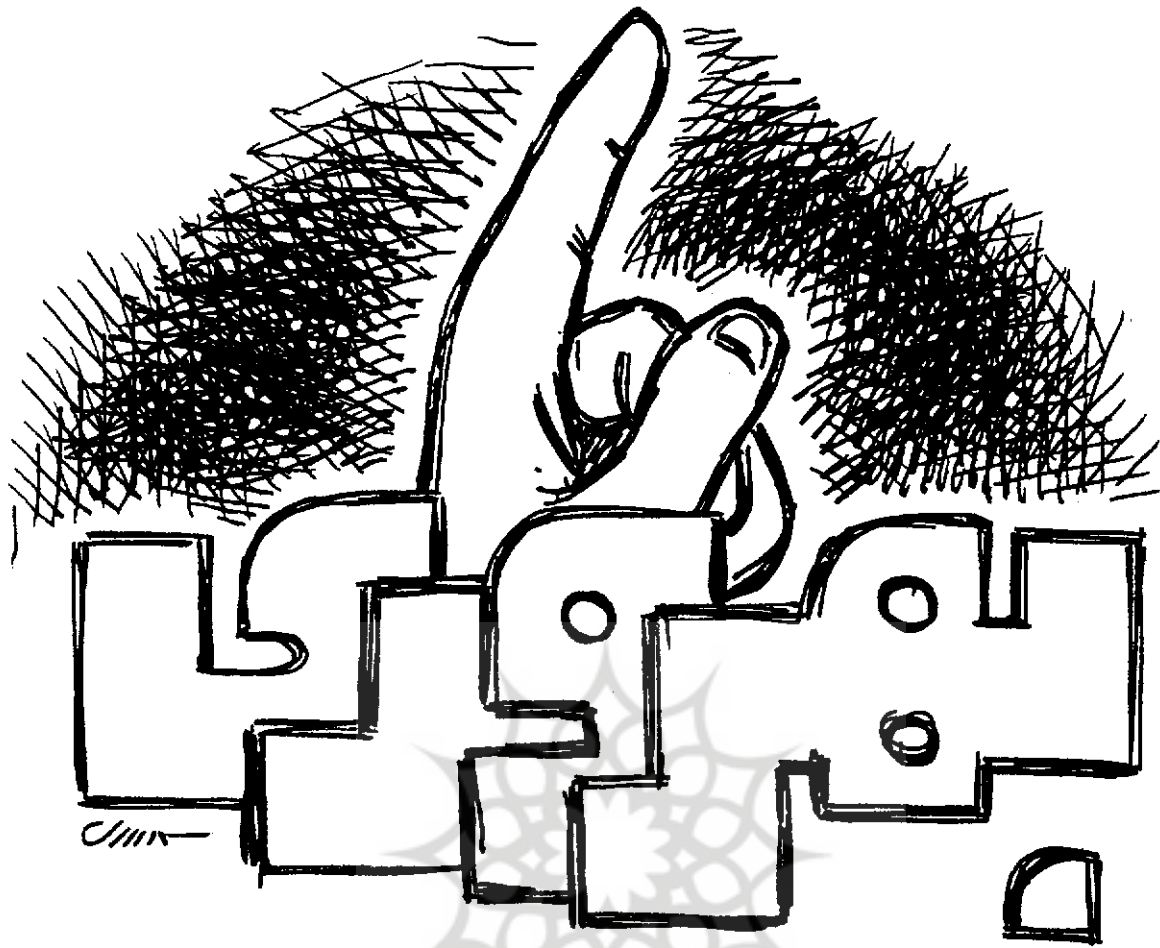
الف - بدیهی است مطلوب بودن افزایش ستاده، به جهت نایل آمدن، به هدفی است. بنابراین ابتدایی‌ترین موضوع این است که ستاده مربوطه، و افزایش آن، هدف مورد نظر را، تحقق بخشد. که در ادبیات بهره‌وری آن را **اثربخشی** (*Effectiveness*) تعبیر کرده‌اند، و در این مکتوب آن را هدفمندی اعتبار می‌کنیم.

ب - آیا ستاده به دست آمده، از کارایی (*Efficiency*) برخوردار است یا خیر؟

در سطوح فعالیتهای خرد اقتصادی این گونه تعبیر می‌شود که داده‌های بکار گرفته شده نسبت به هر داده دیگر، ستاده بیشتری را ایجاد نماید، یعنی اگر یک ریال برای داده‌های دیگر صرف شود، کمتر از یک ریالی که برای داده مزبور صرف شده است ستاده ایجاد می‌نماید.

بنابراین در سطحی گسترده‌تر و کلان، فعالیتی کارآست که بیش از هر فعالیت دیگر، ستاده مطلوب را، ایجاد نماید.

ج - آیا فعالیت هدفمند و کارآ در یک حوزه، و واحد مشخص، اثر منفی بر فعالیتهای و حوزه‌ها و واحدهای دیگر نخواهد داشت؟ مسئله اثر سوء نداشتن بر فعالیتهای دیگر، همناختی و هماهنگی فعالیتهای و همسو شدن آنها برای تحصیل هدف نهایی است که برآیند کلیه فعالیتهای در



توکل

توکل از مصدر باب تفعّل به معنای اظهار عجز، و اعتماد به غیر آمده است، و توکل علی الله، واکذار کردن کار به خدا و اطمینان به تدبیر اوست.^۱

بنابراین واکذارى کار به غیر، نتیجه درک ناتوانى خود، و گرفتن وکیل و اعتماد به او، در انجام آن کار است.

آیا فعالیتى که بر اساس توکل تنظیم مى شود فعالیتى بهره ور است؟

واکذارى امرى به غیر، چون در نتیجه ناتوانى در انجام آن فعالیت است، و کار به عامل توانا واکذار مى گردد، «کارآ» کردن فعل و فعالیت خواهد بود، چرا که ستاده بهتر یا بیشتری تحصیل خواهد شد. اما آیا این شرط به تنهایی کافی است؟

انگیزه هر فعالیت انسان، به واسطه خیر و سعادتى است که از نتیجه آن فعالیت تصور مى شود. بنابراین آگاهی به اینکه آیا

تحقق پذیر است؟

اما اهداف متفاوت، و چه بسا متضاد، اثرات یکدیگر را خنثى کرده و برآیند فعالیتهاى اجتماعى و فردى را از کارایی ساقط مى نمایند. لذا ضرورى است که اهداف همه فعالیتها در راستا و تحقق یک هدف نهایی و غایی انجام پذیرد، لذا هدف هر فعالیت لازم است در راستای هدف نهایی فرد یا اجتماع واقع شود. در نتیجه مسئله هدفمندی را توسعه داده و غایتمندی را در بهره وری عنوان می داریم.

نتیجه اول

فعالیت بهره ور با سه مشخصه تبیین مى شود:

۱. غایتمند باشد؛
۲. از کارآیی برخوردار باشد؛
۳. اثر سوء بر فعالیتهاى دیگر نداشته باشد - «همهنگ» باشد.

جهتی که هدف نهایی ر متحقق نماید، انجام پذیرد. یعنی فعالیتى چه مستقیم چه غیر مستقیم، چه در سطح خرد، چه در سطح کلان، چه در سطح فرد و چه جمع، فعالیتهاى دیگر را از رسیدن به هدف خاص خود باز ندارد و تأثیر آن را خنثى ننماید.

بنابراین هرچه اثر سوء فعالیت یک مجموعه، بر فعالیتهاى دیگر کمتر باشد کارایی آن مجموعه افزایش یافته تا در حدی که این اثر سوء صفر گردد که کارایی در این وضعیت در حداکثر خود قرار خواهد داشت؛ و این مسئله را «همهنگی» نام گذاری می کنیم.

د - هرچند هر فعالیت، و ستاده منشعب از آن، برای تحقق مقصود و هدف خاصی است، اما آیا مى توان برای هر فعالیت اجتماعى، یا فردى، هدفى منحصر به فرد غیر هم جهت با هدف نهایی متصور بود، و در این صورت کارآیی اجتماعى یا فردى

نتیجه فعالیت، منطبق با سعادت حقیقی انسان، و فعالیت مربوطه مناسبترین فعالیت برای تحقق آن نتیجه است، مطرح خواهد شد.

لذا منطقی خواهد بود که در صورت نبود آگاهی به اینکه کدام نتیجه و ستاده، به سعادت انسان ختم می‌شود، و اینکه بهترین فعالیت برای نتیجه ملازم با سعادت، کدام است، به مرجع آگاه، برای تبیین و روشن شدن نتیجه، و فعالیت مرتبط با سعادت انسانی رجوع شود.

یعنی، ابتدا نتیجه‌ای (ستاده‌ای) مراد است که در راستای سعادت نهایی است (غایتمندی)، و سپس هر فعالیتی مورد نظر است که به بهترین وجه - نسبت به هر فعالیت دیگر - این غایت را مستحق می‌گرداند؛ لذا گرفتن وکیل در اموری که آگاهی و توانایی در آن وجود ندارد، یا ناقص است، افزایش دادن کارایی و تحلیل ستاده بهتر منطبق با هدف است.

اما حد این آگاهی و توانایی برای تشخیص غایت حقیقی و «کارایی» چیست؟

چون برآیند و نتیجه مجموعه فعالیت‌های انسان باید به سعادت نهایی او منتهی شود و نتایج فعالیت‌ها یکدیگر را خنثی نمایند لذا وکیلی باید انتخاب شود که اشراف کامل و تام به خلقت نهایی انسان، ماهیت وجودی و هستی پیرامون او داشته باشد تا برآیند توصیه‌ها و اوامر و نواهی او به موکل، به سعادت نهایی او ختم گردد.

هویت نقص انسانی و صفات نسبی او، اقتضاء علم کامل به اعمالی که او را به هدف نهایی نایل گرداند، نداشته، و واگذاری چگونگی طی مسیر، برای سعادت، به عالم مطلق که هندسه زیست فردی و اجتماعی او را با معرفت تام به مقصد ترسیم و ارشاد نماید لازم است، و انسان مختار یا از این نقشه استفاده خواهد کرد یا نقشه‌ای برای زیست اجتماعی، فردی مدون می‌نماید که از شعاع عقول نسبی بشری ساطع می‌شود که بهره‌وری آن به واسطه نبود اشراف و آگاهی کامل به هویت و سعادت حقیقی و هدف خلقت انسان، غیر محتمل است، لذا از

شروط بهره‌ور کردن فعالیت‌ها، ارجاع آن به وکیلی است که اشراف کامل به هدف و سعادت نهایی و همچنین نظام تکوین و قوانین پیرامون زیست او داشته باشد تا بتواند با آگاهی تام به هویت او، مسیری را که باید برای نایل آمدن به مقصد بپیماید، توصیه کند.

آیا اتکاء به وکیل قدرتمند و آگاه برای تضمین تحصیل سعادت و هدف نهایی، کافی است؟

هرچند وکیل، آگاه به مصلحت ما، قدرتمند در تحقق آن است، اما آیا نسبت به این مصلحت بخل نخواهد ورزید و سخی خواهد بود، بدیهی است هر چه سخاوت وکیل بیشتر، کارایی ستاده افزونتر خواهد بود تا مرحله‌ای که کار به مطلق سخاوت واگذار گردد.

امام صادق از قول خدای تبارک و تعالی می‌فرماید:

هرچه اثر سوء فعالیت یک مجموعه، بر فعالیت‌های دیگر کمتر باشد کارایی آن مجموعه افزایش یافته تا در حدی که این اثر سوء صفر گردد که کارایی در این وضعیت در حداکثر خود قرار خواهد داشت؛ و این مسئله را «هماهنگی» نام گذاری می‌کنیم.

«... با جود و بخشش خود آنچه را از من نخواستی به او می‌دهم، سپس از او می‌گیرم و او برگشتش را [نه از] من [بلکه از] غیر من می‌خواهد؟ [در صورتی که] پیش از خواستن، به او عطا می‌کنم، چگونه اگر از من بخواهد درخواست کننده خود را [جواب نمی‌گویم] مگر من بخیلیم که بنده‌ام مرا بخیل می‌داند؟ مگر هر جود و کرم از من نیست؟ مگر عفو و رحمت از من نیست؟ مگر من محل آرزوها نیستم؟»

و در نهایت آیا صفات علم، قدرت و سخاوت، مجوز واگذاری را برای «کارآ» نمودن فعالیت صادر می‌نماید؟

علاقه وکیل به مصلحت موکل نیز از

عواملی دیگری است که قابلیت اتکا و اطمینان و واگذاری را تجویز می‌نماید. اگر وکیل علاقه‌ای به مصلحت موکل نداشته و صفت بخشندگی و مهربانی را فاقد باشد، تحقق سعادت و هدف نهایی مورد نظر موکل منتفی خواهد بود. لذا هر چه محبت و علاقه وکیل به مصلحت موکل بیشتر باشد «کارایی» فعالیت، فزونتر خواهد شد تا مرحله‌ای که به محبت مطلق ختم گردد.

بنابراین وکیلی که آگاه به مصلحت، و قادر به رفع آن و بخشنده از غفلت، و مهربان و سخی، و مصون از خطا و خیانت، به موکل است و جز خیر او اراده دیگری نمی‌نماید، وکیل معتمد و قابل اتکاست، و لذا جایز است که اراده انسان تابع همچون وکیلی قرار گیرد که آن همانا وجود مطلق است و این واگذاری از مقوله باور و ایمان و عمل صالح و متوکلاًنه است.

انسان موحد و معتقد به مبدأ و معاد، ترسیم و شناسایی مقصد نهایی، و غایت خویشتر را، با توجه به احاطه تام صانع و صنع و اشراف کامل بر تکامل مخلوق، به عالم مطلق واگذار می‌نماید و بهترین وکیل در این خصوص برگزیده می‌گردد که نبود این واگذاری، از کارایی ساقط کردن کلیه فعالیت‌های انسان موحد خواهد بود، چرا که این غایت چون از حوزه رب و خالق، ناشی می‌شود ملازمت تام با سعادت حقیقی انسان خواهد داشت.

بنابراین واگذاری تشخیص هدف نهایی، و همچنین معماری و هندسه، و چگونگی زیست، برای تحقق آن به صانع وجود، و بر اساس این زیست ترسیم شده، و باید و نبایسته مطرح شده، رفتارها و فعالیت‌ها را تنظیم نمودن، همان توکل بر طراحی و شریعت الهی است، و تنظیم زیست اجتماعی و فردی بر اساس طراحی و چارچوب توصیه شده، عالم مطلق؛ «کارآ» و «غایتمند» نمودن فعالیت‌هاست، و توکل همان تنظیم فعالیت‌ها بر اساس چارچوب شریعت الهی است، و فعالیت‌های غیر منطبق و هماهنگ با شریعت الهی، فعالیت‌های غیر متوکلاًنه خواهد بود که هم غایتمندی و هم بیشترین بازدهی در جهت غایت (کارایی) و

هم اثر سوء نداشتن بر فعالیت‌های دیگر را منتفی خواهد کرد لذا فعالیت‌های غیر منطبق بر اساس توکل، فعالیت‌ی غیر بهره ور است. و مَالَنَا اِلَّا تَتَوَكَّلُ اللهُ وَ قَدْ هَدُنَا سُبُلَنَا (ابراهیم ۱۲)

«چرا به خدا که به شریعتمان ما را هدایت کرد توکل نکنیم»

لذا هرچه معماری و طراحی نظام اجتماعی - سیاسی، فرهنگی اقتصادی - تحت اراده و قوه دماغی عامل ناقص صورت پذیرد و از حوزه شریعت توصیه شده خداوندی عدول نماید، غیر متوکلاته خواهد بود، و هرچه ساختارها و رفتارهای اجتماعی - سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، - بر اساس اراده و تدبیر و تشریح غیر عامل مطلق و تحت اراده افرادی واقع گردد که از ایمان فاصله دارند، توکل خدشه دار و بهره وری مخدوش می‌شود.

بهره وری ساختار و رفتار سازمانی هر مجموعه، وابسته به اندازه توکل مدیر آن مجموعه در فعالیتها خواهد بود، و این مسئله از ابعاد خرد تا ابعاد کلان مدیریت مصداق خواهد داشت و بدیهی است حساسیت آن در سطح رأس مخروط تصمیم گیری اجتماعی - سیاسی، فرهنگی - اقتصادی، افزونتر است.

سازمانهای اجتماعی - سیاسی، فرهنگی، اقتصادی - به اندازه انحرافی که در طراحی و تدبیر از نظام تشریح خداوندی داشته و به اندازه تکیه‌ای که بر عقول نسبی و نفوس بیمار طراحان دارد، رفتار و ساختار آنها تحت شعاع قرار می‌گیرد و تشمت و انحراف، خطا و اشتباه، گسترش خواهد یافت. هرچه تدبیرها و اوامر و نواهی در سازمانها از اراده‌ای بر اساس منیت و کبرها روحی و غیر متکی به توکل و ایمان خداوندی صادر شود و اراده کارکنان تحت این اوامر و نواهی قرار گیرد، غیر بهره ور نمودن فعالیت‌های فردی و جمعی و سازمانی خواهد بود.

نتیجه دوم

الف - واگذاری کاری که در آن آگاهی و توانایی وجود ندارد یا ناقص است، به وکیلی که قادر، عالم، سخی، و رحمان است «کارآ» نمودن فعالیتهاست؛

ب - چون این واگذاری به عاملی است که اشراف کامل به سعادت و هدف نهایی و غایت خلقت انسانی دارد، فعالیت‌ی غایتمند خواهد بود؛

ج - اشراف کامل چنین وکیلی به هدف نهایی موکل خود، منتهی به موزونی و «هماهنگی» کامل اوامر و نواهی صادره از او برای رسیدن به هدف نهایی خواهد شد؛

د - این اوامر و نواهی، نهفته در شریعت الهی است، و توکل، تنظیم فعالیتها بر اساس شریعت خداوندی است؛

ه - بهره وری ساختار و رفتار سازمانی هر مجموعه، وابسته به اندازه توکل مدیر آن مجموعه در فعالیتها خواهد بود، و این مسئله از ابعاد خرد تا ابعاد کلان مدیریت مصداق خواهد داشت و بدیهی است حساسیت آن در سطح رأس مخروط تصمیم گیری اجتماعی - سیاسی، فرهنگی - اقتصادی، افزونتر است.

تابع شدن اراده انسانی و ساختار و رفتار سازمانی است.

چگونگی انتخاب و گزینش فعالیت‌ی که از حوزه شریعت خارج نشده، و با آن اصطکاک ایجاد ننماید، تا غایت مورد نظر بر اساس بهره وری تحصیل شود، به عهده چه عاملی است؟

باید برای انتخاب فعالیت‌های منطبق بر شریعت الهی، و فعالیت‌ی که بیشترین بازدهی را مطابق با غایت ترسیم شده الهی داشته باشد به استعداد‌های بشری خود و همچنین سببهای تکوینی متوسل شد.

اما آیا مستولی شدن بر ساز و کار نظام هستی و تکوین، و به سیطره درآوردن آن و بکارگیری پدیده‌ها و اکتشاف آنها، منحصرأ از استعداد‌های عناصر، موجودات، و ممکنات، خواهد بود، و اگر این گونه باشد آیا غایتمندی فعالیتها و اتکاء موحد به وحدانیت، مخدوش خواهد شد؟ می‌دانیم بر حسب طراحی شریعت،

فعالیت اقتصادی باید انتخاب کرد که در حوزه «ربا» واقع نگردد، اما آیا در برنامه ریزی این مسئله، اثر تام را استعدادها و تلاشها خواهد داشت و اثر مستقلى را در این خصوص متصوریم؟

مستولی شدن بر پدیده‌های هستی و چگونگی شناخت آن و کشف نیروهای نهفته در طبیعت و بکار گیری آن، در نهایت منتج به ظهور تکنولوژی می‌شود، اما آیا عناصر ترکیبی و استیلا بر نظم خاص آن، به عنوان اثری مستقل تلقی می‌شود؟

یعنی اگر در آیین زیست اجتماعی و فردی (شریعت) منع «ربا»، تدبیر شده است، چگونگی تنظیم فعالیت‌های اقتصادی و انتخاب و گزینش بهترین فعالیت‌هایی که این امر را تحقق پذیر می‌سازد، به عهده و تدبیر ما خواهد بود؟

اما در این تدبیر نیز اتکا خود را به وکیل قدرتمند و آگاه برای گزینش صحیح و مقبول و حداقل و صفر کردن خطا و اشتباه، از دست نداده و قوه و استعداد‌های به ودیعه گذاشته خود را مستقل نخواهیم پنداشت و همواره غایت گرایی در تدبیر انتخاب ما، سیطره خواهد داشت. چرا که اقتضای سعادت و هدف نهایی و غایی، این چنین خواهد بود. یعنی هیچ گاه اثر فعالیت را از اتکا به وکیل معتمد و آگاه و قدرتمند نباید منفک دانست.

امام علی (ع) می‌فرماید: «صحیح نیست ایمان و گرویدن بنده‌ای، مگر اطمینان او به آنچه در دست (توانایی) خداوند سبحان است بیشتر از آنچه در دست خویش است باشد.»^۳

لذا طراحی و کنش و واکنش‌های این عناصر و وظیفه و اثر هر عنصر در نظام هستی، از ناحیه وکیلی با صفات مطلق است و هیچ اثری مستقل تصور نخواهد شد، و این نگرش یعنی هستی و تکوین، بر اساس معماری و طراحی صانع وجود شکل گرفته و به او ختم و واگذار می‌گردد، و این نگرش و اعتقاد و باور، توکل در تکوین نام گذاری شده است.

ذلکم الله ربی علیه توکلت و الیه انیب (شوری - ۱۰)

«... در ناحیه تکوین از تمامی اسباب ظاهری منقطع گشته، و به هیچ سببی رکون و اعتماد نمی‌کند، چون خدا را یگانه سببی می‌داند که شکست ناپذیر است، و سببیت هر سببی از اوست و این همان توکل است. و در ناحیه تشریح در هر واقعه‌ای که در طول زندگی با آن روبرو می‌شود، به حکم خدا رجوع می‌کند و این همان انابه است، پس معلوم شد که چگونه جمله (علیه توکلت) و جمله (الیه انیب) دو اثر از آثار جمله: (ذلکم الله ربی) است، و معنایش این است که:

من به خاطر آنکه غیر از خدا رب و ولی، تدبیری ندارم لاجرم در همه امور زندگی به او رجوع می‌کنم، هم در تکوین و هم در تشریح»^۴

توسل به اسباب می‌جوییم بر اساس توصیه‌ای که از وکیل خود شده‌ایم، و فرمان اوست که باید متوسل به اسباب شوی و با بکارگیری نظم هستی، زیست فردی و اجتماعی خود را تحت سیطره نظام تشریح تنظیم نمایی. بنابراین، این انتخاب به تلاش و سعی و کوشش ما بستگی دارد تا بهترین فعالیت را تحت سیطره نظام تشریح و تکوین برای سعادت و هدف غایی تعبیه شده از جانب وکیل، گزینش نماییم و در این انتخاب نیز اعتماد و اطمینان خود را از او منتفی ندانسته بلکه منوط به اعتماد و اتکا او تدبیر می‌نماییم؛ یعنی در همه حال غایت‌مندی از حوزه تدبیر، و عمل، و فعالیتها، حذف نمی‌گردد، در غیر این صورت قوه و قدرتی را مؤثر دانسته‌ایم، و از قدرت مطلق و حقیقی غافل مانده‌ایم، و ماهیت غایت‌مندی از ستاده‌ها تهی شده و انحراف و تورش از ماهیت غایت‌مند پیدا نموده است. در حقیقت فعالیت را از بهره‌وری ساقط کرده‌ایم، لذا همه نظام تکوین واسطه اثرند و مؤثر حقیقی، وجودی واحد و غایتی احد است.

یعنی توسل به عناصر هستی و شناخت ارتباط و نظم عناصر و استفاده از آن و کار، سعی و کوشش برای غلبه بر پدیده‌های هستی، نه تنها نغی نگشته بلکه بدون این توسل تحقق هدف نهایی منتفی است،

منتهای غایت‌مندی، در توسل به پدیده‌ها نباید فراموش شود و برای تحقق امور به وکیلی تکیه کرد که اراده و اثری غالب بر اراده و خواست او نیست و او فوق همه اثرها و اراده‌هاست؛ اثر همه پدیده‌ها و اگذار به او می‌گردد و تکیه بر او، مؤثر شدن پدیده‌ها و استعدادها را تضمین می‌نماید.

بنابراین:

نتایج سوم

الف - باور داریم، به اسبابی که تحت سیطره شریعت متوسل می‌شویم اثر خود را از مؤثر مطلق اخذ نموده‌اند (غایت‌مندی)؛
ب - برای پی بردن به بهترین فعالیت و برنامه ریزی برای آن نیز، استعدادها و توان فردی، منهای توان و قدرت قاهر مطلق مؤثر نخواهد بود، و هر چند در این مرحله تدبیر و عمل از ماست، اما واگذاری به تدبیر مطلق برای تصحیح، مدد و تضمین فراموش نمی‌شود.

هنگامی که عامل محدود بر وجود نامحدود تکیه می‌نماید، قید توان و علم محدود خود را کاهش داده، افزایش استعداد و پذیرش عطاء مطلق محبت، و سخاوت را ایجاد می‌نماید.

بدیهی است بدون وقوف به تمام علل تکوینی موفقیت یک فعالیت، ظهور نتیجه مطلوب منتفی خواهد بود، و استمداد از خالق تکوین برای تجمع و فراهم آمدن همه شرایط و علت‌های ناشناخته - از نظر علم و قوه بشری، - نقب زدن علم و توان محدود به عالم و قادر نامحدود، برای تحصیل مطلوب است. و این اتکا به یک امداد خارجی، در تدبیر و کوشش و سعی مربوط به انسان موحد است که به عنوان دعا مطرح خواهد شد (که در مقاله دیگری به آن پرداخته شده است)^۵ و این استمداد، علاوه بر آن که چون قطب نمایی، فعالیت‌های انسان موحد را به سمت غایت هدایت می‌نماید، با پیوند و گشودن منفذی به بی‌نهایت، توان و قوه قدرتی روحی حاصل می‌نماید که بازدهی فعالیت، از تحقق نتیجه، کمترین انحراف را داشته باشد.

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَكُونَ النَّاسَ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ.

«هر که دوست دارد از همه مردم نیرومندتر باشد به خدا توکل کند.»^۶

نتیجه چهارم

توسل در حوزه تدبیر تکوینی و تشریحی خداوند تدبیر کردن و در این تدبیر خود را مستقل ندانستن، و اثر وجودی اسباب را از ناحیه مؤثر مطلق پنداشتن است. تدبیر در حوزه تکوینی و تشریحی، از ناحیه رب است، و در انتخاب بهترین فعل متناسب با تشریح و تکوین خداوندی که در حوزه تدبیر بشری است، غفلت نکردن از غایت مطلق، و از او استمداد و طلب کردن مطرح است.

هماهنگ نمودن کلیه فعالیتها، حول محور غایت و زودودن تشبّت و تراحم و تقابل، و حاکمیت روحی واحد بر کلیه آنها و پرهیز از تفرقه در جهتها، بهره‌وری کردن فعالیتهاست، چرا که اهداف متفرق و متعدد، روح را پریشان و دل را مضطرب نموده و عمل ابتر را نتیجه خواهد داد که بهره‌وری محصول چنین فعالیتی نخواهد بود. ■

● پانوشتها:

۱. قاموس قرآن، قریشی، علی اکبر ح ۷، دارالکتاب اسلامی، ۱۳۵۲.
۲. بخردی عالم بنامانی لم یزقّه قلبه بشأنی ربه و سأل غیره؟
أفترأ ای ابتداء یا معناه؟ فقلّ استأنه لم یسأل فلما أحببت سائله؟
ألم یسأل عنی أولئک الجوده و التکرّم لی؟
أولئک أنا سخرّ قلوبهم؟
- (اصول قرآن کالی ح ۳، باب کفر و ایمان حدیث ۷)
۴. تأیید، این سخن بخردی بنامانی بیاوردن شریعت لایق به بنامانی بیه هیچ اهلان حکمت ۲۰۲
۵. المیزان ح ۳۵، انتشارات محمدی، سوره شوری آیات ۱۲ - ۷ ص ۲۰
۶. دعای بهره‌وری، ایمان سید حسین، مجله زمینه، شماره ۶۲ - ۶۱ شهریور و مهر ۱۳۷۵.
۷. پیام اکرم، نهج الفصاحه، ۱۸۱۹.

● مراجع:

۱. المیزان، علامه محمد حسین طباطبایی، انتشارات محمدی.
۲. استنباط از تقریرات درس اخلاق استاد آیت ... محبتی تهرانی.
۳. توسعه و نظام بهره‌وری و از منظر امام خمینی (ره)، ایمان سید حسین، انتشارات و نشر ۱۳۷۵.
۴. دعا و بهره‌وری، ایمان سید حسین، انتشارات مجله زمینه ۱۳۷۴.
۵. بهره‌وری و مصداقها، ایمان سید حسین، انتشارات مجله زمینه ۱۳۷۲.